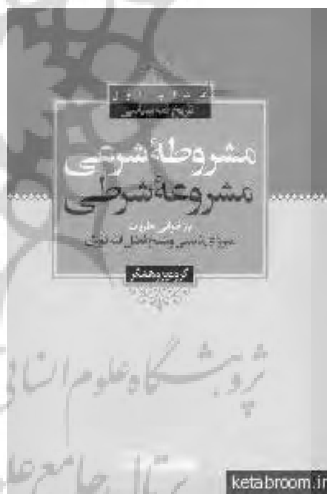


## مشروطه و مشروطه

● زهرا کشاورز قاسمی  
دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ، دانشگاه الزهرا



■ مشروطه شرعی و مشروطه شرعی؛ بازخوانی نظرات  
میرزای نائینی و شیخ فضل‌الله نوری  
■ مجموعه مقالات  
■ تهران، طرح فردا؛ چاپ اول، ۱۳۸۷، تعداد صفحات:  
۱۲۸

از بارزترین ویژگی‌های دوره قاجار افزایش علما و بسط و گسترش قدرت و اقتدار دینی آن‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. سلاطین دوره قاجار برخلاف سلاطین صفوی هیچ ریشه‌ای در جامعه ایران نداشتند و مردم کمترین علقه مذهبی و ملی با آنان احساس نمی‌کردند و به همین خاطر ضروری بود که برای تثبیت قدرت خود و مشروعیت بخشیدن به آن و کسب مقبولیت دینی و ملی یک سری سیاست‌هایی را در پیش بگیرند. آن‌ها شروع به برقراری روابط نزدیک با علما کردند و همین کار باعث شد که قدرت و نفوذ علما در جامعه افزایش پیدا کند و علما با استفاده از هوشیاری و توانمندی خود توانستند از فرصت‌های پیش آمده در جامعه اسفاده کرده و فصل جدیدی را در بالا بردن پایگاه اجتماعی و افزایش هرچه بیشتر قدرت و نفوذ دینی خود ایجاد نمایند.

علی‌رغم تلاش سلاطین قاجار و مساعدت‌های ایشان، علما هیچگاه با هیئت حاکمه وحدت سیاسی پیدا نکردند و همواره کوشیدند تا ضمن برخی روابط ظاهری با شاه، استقلال خویش را حفظ کنند و بدیهی است که چنین شکلی از ارتباط، طبعاً به افزایش نفوذ و قدرت علما منجر می‌شد و آنان را به چنان نیروی قدرتمندی تبدیل می‌کرد که می‌توانستند در شرایط مناسب در مقابل حکومت بایستند و خواستار حقوق و امتیازاتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی باشند و یا شاهان را به عدول از برخی تصمیمات خویش وادارند. علما در طول سلطنت قاجار تنها به زعامت دینی اکتفا نکردند بلکه تا جایی که امکان و توان داشتند، در مسائل عادی مردم، آنان را یاری می‌کردند. این امر در پرتو تسامح شاهان قاجار فراهم نگردید بلکه شالوده آن را تحول نگرش سیاسی علما و توانمندی اجتماعی و اقتصادی ایشان و نهایتاً نظر مساعد مردم تشکیل می‌داد.

انقلاب مشروطه نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلام و غرب در ایران بود و کوششی در جهت نوسازی همراه با تحولات در نظام‌های حقوقی، حکومتی، و اداری. اما این نهضت به راه‌ها و حوزه‌هایی افتاد که ارتباط کمی با ارزش‌های سنتی پیدا کرد. برخورد مستقیم غرب با ایران و خطری که از این بابت متوجه ایران



سر در مجلس شورای ملی

الامه و تنزیه المله مرحوم علامه نائینی را برخی، یکی از بهترین مانیفیست‌های فقهی به نفع مشروطه‌خواهی دانسته‌اند و از سوی نیز سخنان و رساله‌های شیخ فضل‌الله نوری شهید، که خود ابتدا از رهبران اصلی مشروطه‌خواهی در تهران بود و سپس به تدریج در نگرانی از جهت‌گیری‌های سکولار برخی مشروطه‌خواهان، تبدیل به منتقد بعضی از شعارهای مشروطه‌خواهان شد، یکی از شفاف‌ترین موضع‌گیری‌های فقهی - سیاسی در نقد مشروطیت بدون دفاع از استبداد بوده است.

کتاب مشروطه شرعی و مشروطه شرطی که توسط جمعی از دانشجویان نوشته شده است، بخش‌هایی از مواضع فقهی - سیاسی این دو بزرگوار را نقل و دسته‌بندی کرده و تقریباً بدون هیچ تفسیری در معرض قضاوت قرار داده است. این کتاب صرفاً جمع‌آوری و دسته‌بندی دیدگاه‌های دو عالم مجاهد مشروطه طلب شیعه، علامه نائینی و شیخ فضل‌الله نوری است که نقش مهمی در تاریخ مبارزات سیاسی ایران ایفا کرده‌اند. این کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای را انتشارات طرح فردا در سال ۸۷ به چاپ رسانده است. این کتاب ارزشمند که دسته‌بندی نظریات و موضع‌گیری‌های این دو عالم را در باب مشروطه نشان داده است، می‌تواند آگاهی‌های بسیاری را به خوانندگان داده و قضاوت نهایی را به عهده خود آنان بسپارد. اما بهتر بود در نقل از دیدگاه‌ها و نظریات این عالمان بزرگ به شماره صفحات آن نیز اشاره می‌شد، چراکه رجوع به آن نظریه را برای خواننده آسان‌تر می‌کرد.

انقلاب ضد استبدادی مشروطیت که به رهبری علما و مراجع شیعه علیه رژیم قاجار و استعمارگران روس و انگلیس سر گرفت، از جنبه

بود اهمیت و نقش علما را در این خصوص افزایش داد. علما و مجاهدین، در تعیین جایگاه خود نسبت به استعمار انگلیس و روس و استبداد فاسد قاجار و عقب‌ماندگی شدید اقتصادی و علمی کشور دچار وضعیتی بی‌سابقه شده بودند. از سوی شاه مستبد به مشروطیت و کنترل قانونی تن نمی‌داد و از سوی نیز جریان‌های روشنفکری غرب‌گرا و فراماسون‌ها و گروه‌های سکولار وارد عرصه شده و بدیل استبداد شاه را یک سیستم غرب‌گرا و لائیک می‌خواستند. در این که کدامیک از این دو خطرناک‌ترند، میان برخی علمای مبارز و مشروطه‌خواه به تدریج اختلاف نظر افتاد و عاقبت علاوه بر آن که سلطنت و استبداد علاج نشد و استبداد قاجار به استبداد پهلوی و نفوذ بیشتر استعمار انگلیس در ایران تبدیل شد، جنبش اسلامی - مردمی مشروطه نیز به لحاظ محتوای نظری از اهداف و مبانی اسلامی به سوی مبانی مشروطه انگلیسی - فرانسوی منحرف گشت.

در این میان مجتهدین و مراجع بزرگ شیعه در ایران و عراق که نهضت را علیه استبداد و استعمار، هدایت می‌کردند، علاوه بر مداخلات سیاسی، وارد عرصه نظریه‌پردازی فقهی و سیاسی نیز در باب سلطنت، جمهوریت، مشروطیت، دموکراسی، پارلمان و انتخابات شده و شاید رساله‌ها و سخنان آن‌ها، چه در دفاع از مشروطیت و چه در نقد آن، از نخستین مواجهه‌ها میان فقه سیاسی شیعه با مقولات سیاسی مدرن غرب باشد. (ص ۱۱)

اظهارات و مواضع دو تن از فقهای بزرگ و مجاهد شیعه در باب مشروطیت، از توجه بیشتری برخوردار است زیرا هر دو جزو رهبران تئوریک و سیاسی نهضت مشروطه بودند. رساله تنبیه

نظری نیز اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، زیرا در عرصه مشروطه نظریات متعددی در علوم سیاسی از غرب و شرق ترجمه و به دلایل سیاسی و گاه استعماری به کشور سرازیر شد.

در این شرایط فقهای بیدار دل ایران و نجف مبنای فقه سیاسی شیعه را بار دیگر به فراخور شرایط جدید کشور ارائه داده و به طراحی نظام سیاسی بر اساس ملاک‌های دینی و ناظر به مشکلات و معضلات معاصر پرداختند. اینک به برخی از دیدگاه‌های این فقها، (نائینی و شیخ فضل الله) که در کتاب مشروطه شرعی و مشروعه شرعی جمع‌آوری شده اشاره می‌شود. مضمون کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله بدین قرار است:

#### ۱- قرون وسطی، دوری از غرب

علامه نائینی پیشرفت اخیر علمی و تمدنی مغرب زمین را نتیجه یادگیری و الهام از جهان اسلام دانسته و تصریح می‌کند که غرب از علوم تمدن‌ساز، حکمت نظری، حکمت علمی و قواعد مترقی سیاسی یک‌سره محروم بود؛ زیرا امور حکومتی و مدنی شریعت کلیسایی از اساس مقفود بوده و یا به علت تحریف انجیل و تورات و از دست رفتن کتب آسمانی اصیل و احکام الهی، دست اروپا و غرب از چنین تعالیم سیاسی - حکومتی و اجتماعی خالی مانده بود. اما با وقوع جنگ‌های صلیبی و اطلاع از پیشرفت‌های جهان اسلام که صاحب تمدنی دینی و بسیار پیشرفته و علمی بود متوجه نقصان و محرومیت بزرگ خود از علم و تمدن شده و با الهام از جهان اسلام و ترک مسیحیت، در صدد جبران عقب افتادگی مادی خود برآمدند. (ص ۱۴)

#### ۲- مغرب زمین، تحت تأثیر اسلام

مرحوم نائینی پیشرفت‌های مدنی و علمی غرب را الهام مستقیم از تعالیم اسلامی و حتی فرامین و نحوه‌ی حاکمیت امیر (ع) دانسته و علت افول تمدن اسلامی را نیز فاصله گرفتن از تعالیم اسلام می‌داند. (ص ۱۵)

#### ۳- بازگشت به اسلام، تنها راه رهایی

دوران تجدید حیات مسلمین، منوط به رجوع دوباره به تعالیم اسلام است و شروع این تجدید حیات، در ذیل پرچم رهبری روحانیت صالح با انقلاب اسلامی مشروطیت، سر گرفته است و باید به نتیجه برسد.

#### ۴- مشروطیت دینی نه لائیک

علامه، مشروطیت انقلاب مشروطه را مستند به فتوای فقها اسلام

می‌داند که علی‌القاعده در چارچوب احکام شرعی و بنابراین همان مشروطه مشروعه است. (ص ۱۶)

#### ۵- حکومت دینی، ضد استبدادی است

ایشان نظریه سیاسی اسلام را چنین تقریر می‌کند که حاکمیت و دولت در مقام مالکیت و فاعلیت مایشاء نیست، بلکه اساس سلطنت تنها و تنها بر انجام وظایف و تأمین مصالح نوعی است که بدون تشکیل حکومت، تأمین نمی‌شود و بنابراین استیلائی حاکم، محدود به همان اندازه «وظایف اجتماعی و حکومتی» اوست و تصرفات حکومت، مشروط و مقید به آن است که از آن حد تجاوز نکند (ص ۱۷).

#### ۶- مردم، زنده و آزاده و حسابرس حکومتند

در حکومت اسلامی مردم حق مشارکت و لذا حق انتقاد و اعتراض به حکومت دارند و مقهور اراده شخصی حاکم و متصدیان حکومتی نیستند و این حکومت، مقید، محدود و مشروطه و عادل و قانونی است و مردم، احرار و احیاء، یعنی زنده و حساب‌گر و پرسش‌گر و آزاده‌اند و خادم حکومت نیستند، بلکه مخدومند (ص ۱۸)

#### ۷- استبداد زیر پوشش دین

علامه نائینی همچنین به خطر استبداد دینی اشاره می‌کند که کسانی تحت پوشش دین، به جای حکومت دینی، نوعی حکومت استبدادی و طاغوتی و شخصی را بر پا می‌دارند و اگر قانون شرعی و نظارت دقیق دینی و عقلائی اعمال شود، راه را بر استبداد با پوشش دینی هم می‌بندد. زیرا امر و نهی دینی، ماهیتاً غیر از امر و نهی‌های استبدادی است. زیرا اولاً مستند به تنها کسی است که حق امر و نهی به انسان دارد و او شارع اسلام است و ثانیاً معطوف به مصالح و حقوق و کرامت انسان‌ها است و ثالثاً تبعیت از شریعت، مسبوق به انتخاب آزاد ایمان دینی و لیبیک مختارانه‌ی مردم به خدای عالم است. (ص ۲۲)

#### ۸- مساوات اسلامی

میرزای نائینی سپس به ضرورت مساوات در برابر قانون شرع، اشاره کرده و آن را در سه قسم مورد بحث استدلالی و به نفع هر کدام، ادله فقهی و شرعی، اقامه می‌کند. الف - مساوات در حقوق ب - مساوات در احکام ج - مساوات در مجازات (ص ۲۲)

#### ۹- وظیفه و ولایت فقها در ایجاد عدل

**انقلاب مشروطه نخستین مواجهه مستقیم بین فرهنگ سنتی اسلام و غرب در ایران بود و کوششی در جهت نوسازی همراه با تحولات در نظام‌های حقوقی، حکومتی، و اداری**

## مشروطه و مشروعه

کتاب صرفاً جمع‌آوری و دسته‌بندی دیدگاه‌های دو عالم مجاهد مشروطه طلب شیعه، علامه نائینی و شیخ فضل الله نوری است که نقش مهمی در تاریخ مبارزات سیاسی ایران ایفا کرده‌اند

## مشروطه و مشروطه

احساس مسئولیت شرعی در رأی دادن و انتخاب نامزدها دعوت کرده و موعظه می‌کند؛ که «اولین وظیفه که بعد از استقرار این اساس در عهده دینداری و وطن خواهی ایرانیان است، این است که در مسئله انتخاب چشم و گوش خود را باز کنند و اغراض شخصیه و قرابت فلان رفاقت با دیگری و عداوت با سومی را در این مرحله کنارگذارند و مصداق «شرالتاس من باع دینه بدنیا غیره» مانند جمله ظالم پرستان عصر نگردند و این معنی را نصب العین خود نمایند که این انتخاب برای چه و این منتخبین را بر چه دسته مردم و از برای چه مقصد می‌گمارند؟...»

نائینی به مردم توجه می‌دهد که دموکراسی شرعی و انتخابات اسلامی با دموکراسی لیبرال متفاوت است و در جامعه دینی نظام نمایندگی و پارلمانی از ناحیه وکیل و موکل هردو باید ملتزم به شرع و تقوا باشد و مردم اگر رأی می‌دهند به گونه‌ای دهند که قادر به پذیرش مسئولیت شرعی آن در آخرت نیز باشند (ص، ۴۳)

۱۳- انگیزه و معارف دینی، شرط مبارزه با استبداد

مرحوم نائینی ده‌ها آیه و روایت علیه استبداد و توجیه‌گران دینی آن آورده و تأکید می‌کند که علما و اهل منبر مردم را به ریشه‌های دینی مبارزه ضد استبدادی و وجه شرعی مشروطه طلبی آشنا و توضیح دهند که وظیفه شرعی مومنان، نفی استبداد است. (ص، ۴۸)

۱۴- توجیه دینی استبداد، خیانت به دین

مرحوم نائینی آزادی را مقوله‌ای شرعی و الهی می‌داند و آزادی مطلقه و خارج از چارچوب اسلام را رد کرده و درعین حال حساسیت بسیاری نسبت به توجیهات شبه‌دینی به نفع استبداد نشان داده و علاج شبه استبداد دینی را امری واجب و پیچیده دانسته و تصریح می‌کند که آنچه مانع استبداد و شهوت‌رانی است، همانا ملکه تقوا و عدالت است و شرط صیانت از دین و تقوا و حفظ نفس، اطاعت امر مولا و خدای متعال و مخالفت با هوی، که برای مرجعیت شیعه معتبر دانسته جز به تقوا و عدالت قوام نمی‌یابد لذا باید مراقب روحانی‌نمایان که تحت پوشش دین به توجیه شهوات خود و دیگران و به توجیه استبداد و ظلم و طغیان می‌پردازند، بود. به ویژه که در روایت معصومین چنین

مرحوم نائینی وظیفه‌ی اجرای این مساوات‌ها و این احکام شرعی را در عصر غیبت متوجه فقها و علمای دین در حد امکان و وسع ایشان می‌داند. (ص ۲۴)

۱۰- دفع افسد به فاسد

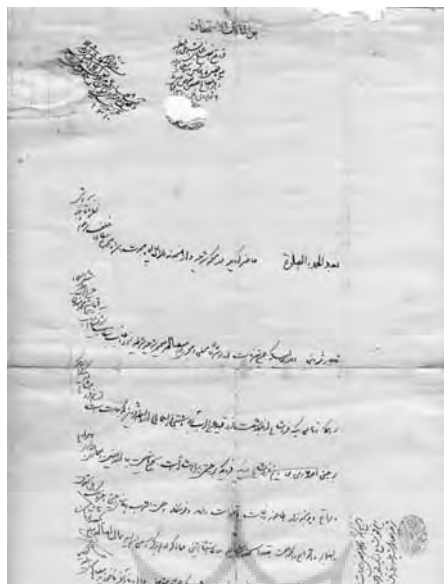
حکومت مشروطه حتی اگر از نوع ولایت فقیه نباشد، شامل ظلم کمتر است، و حکومت‌های بی‌ضابطه ملازم با غضب و ظلم‌های بیشتری است و البته در هر حال، حکومتی که مشروط و مشروع و تحت ولایت فقها نباشد، حتی اگر مشروطه باشد، به نوعی ظالمانه و غاصبانه است گرچه با درجه کمتری نسبت به حکومت استبدادی محض بوده و حکومت استبدادی شاه افسد است. ایشان تصریح می‌کنند که تصرفات ولایتی، شرعاً حق کسانی است که اهلیت و صلاحیت شرعی آن را داشته باشد؛ ولی در صورت عدم امکان تصدی مستقیم فقها، از طریق نظارت و اذن فقها می‌توان تا حدودی به حکومت مشروطه، تزریق مشروعیت کرد یعنی حکومت مشروطه مثل منتخس بالعرض است که اذن فقیه و نظارت موثر دینی، آن را تا حدودی تطهیر و مشروع کند و البته این مشروطه هم کاملاً مشروع نیست و مشروعیت تام در عصر غیبت در صورتی است که حکومت کاملاً تحت اشراف فقهای امامیه باشد. (ص ۲۸)

۱۱- حق نمایندگی، منوط به اجازه فقیه

مرحوم نائینی در بحث نمایندگی شرط صحت و مشروعیت نمایندگی مردم را اذن مجتهد نافذالحکومه (ولی فقیه) در هرحدی که قدرت اعمال ولایت دارد، می‌داند، حتی اگر در حد نظارت اجمالی و ولایت اذن باشد و نیز حضور شورایی از فقهای عادل و آگاه در مجلس منتخبان مردم را شرط مشروعیت پارلمان دانسته و این حضور و نمایندگی را از باب وظایف حسبه و عمومی شرعی و واجب می‌خواند. سپس در باب شرایط بعدی نمایندگی به سه شرط مهم اشاره می‌کند. الف - مجتهد بودن در فن سیاست و فقاہت سیاسی ب - بی غرضی و بی طمع و عدالت ج - غیرت و خیرخواهی برای مردم (ص ۴۲)

۱۲- وجوب تقوای دینی در رأی دهندگان

همچنین مرحوم نائینی مردم رأی دهنده را نیز به تقوا و دقت و



دستخط و امضای شیخ فضل الله نوری

تأکید می‌ورزد که این قانون در جامعه اسلامی جز قانون اسلام نمی‌تواند باشد و سپس از جهل عوام‌گری توده ملت، گلایه می‌کند. شیخ از حاکمیت قانون بر جامعه دفاع می‌کند اما نه قوانین غیراسلامی که در عرض شرع و برخلاف قانون خدا جعل شوند، به ویژه که اسلام تنها یک دین فردی و عبادی نیست بلکه علاوه بر آن سرتاپا سیاسی و اجتماعی نیز بوده و در امور حکومتی، حاوی قوانین صریح و محکمی است که مصالح دنیوی و اخروی بشریت را لحاظ کرده و روشن است که جامعه مسلمان نمی‌تواند تن به قوانین غیراسلامی دهد والا تن به تناقض و نفی معتقدات خویش داده است. (ص، ۵۵)

کارکرد مجلس دارالشوری: شیخ معتقد است که صرف رجوع به اکثریت آراء ملاک برای تشریح نیست؛ زیرا اگر مجلس برای جعل قوانین غیرالهی تشکیل شود، با اسلامیت این جامعه منافات دارد و اگر برای تدوین قوانین مطابق شرع باشد، این کار، کار غیرمسلمانان و یا فاقدان صلاحیت علمی نیست؛ ولی اگر این قانون‌گذاری در واقع نوعی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صغروی و کارشناسی موضوعی در امر معاش و مدیریت اجتماعی در چارچوب شریعت باشد، البته مورد قبول مسلمان و غیرمسلمان است. اما اگر مراد همه طرفداران پارلمان، تعیین و اجرای قانون الهی است، پس چگونه است که فرقه‌های منحط ضداسلامی نیز از آن حمایت می‌کنند؟ و چرا کار را با عوام زدگی می‌آیند؟ و چرا از ادله شرعی این امور به میان نمی‌آورند؟ (ص ۵۷)

آزادی و برابری: شیخ چند بار در فرمایشات خود، تعبیر لیبرالی و غربی از حریت و مساوات را به باد حمله گرفته و آن را منافی با

کسانی راهزنان ایمان مردم دانسته شده و روحانی نمایان از لشکر یزید نیز مضرت‌تر به حال ضعفای امت و فاقدان تشخیص خوانده شده‌اند. (ص، ۴۹)

### بخش دوم: دیدگاه‌های شهید شیخ فضل الله نوری

آیت‌الله شیخ فضل الله نوری از رهبران اصلی قیام ضد استبدادی مشروطه در ایران بود که پس از مدتی به علت کشف جریان‌های روشنفکری انگلیسی و خط انحراف با دقت و صلابت فوق‌العاده‌ای به افشاگری آنان و شفاف‌سازی جریان غرب‌گرا و وابسته پرداخت و عاقبت نیز جان خود را بر سر آن مقاومت هوشیارانه گذارد. (ص، ۵۳)

شیخ با برداشتی که از مشروطه و خطرات آن داشت، که به نظر وی افزون‌تر از خطراتی بود که حکومت استبدادی برای اسلام و مسلمین می‌توانست داشته باشد، از ادامه همکاری با مشروطه طلبان بازایستاد و به مخالفت با آن پرداخت. شیخ نظام مشروطه مشروعه را برای اسلام و مسلمانان مطلوب‌تر از مشروطه می‌دانست و از سوی دیگر خطر سلطنت را برای اسلام و مسلمانان کم‌تر از خطر مشروطه و مشروطه‌طلبان می‌یافت. وی به درستی دریافته بود که مشروطه‌گری به شیوه‌ای که برخلاف دستورهای شریعت اسلام است عمل می‌کند (عبدلهدی حائری، ۱۳۶۴، ص ۳۱۹)

اینک به فراهایی از اندیشه و رفتارهای سیاسی شیخ شهید می‌پردازیم:

ضرورت حاکمیت قانون: شیخ در رساله افشاگر تذکره الفاضل و ارشادالجاهل که به قصد بدعت‌زدایی و مبارزه با انحراف قیام مشروطه نوشته شد، به ضرورت حاکمیت قانون در جامعه اشاره می‌کند؛ اما

شیخ فضل‌الله با برداشتی که از مشروطه و خطرات آن داشت، که به نظر وی افزون‌تر از خطرانی بود که حکومت استبدادی برای اسلام و مسلمین می‌توانست داشته باشد، از ادامه همکاری با مشروطه‌طلبان بازایستاد و به مخالفت با آن پرداخت

## مشروطه و مشروطه

پرسش مهم فوق شامل نکاتی بسیار مهمی است. شیخ صادقانه توضیح می‌دهد که علت آن که ایشان ابتدا از رهبران و جلوداران مشروطیت و قیام ضد شاه در تهران بود، آن بود که در ابتدای قیام، سخن از عدالت و حقوق شرعی مردم و آزادی‌ها در چارچوب دین و تعدیل استبداد و رفع تبعیض بود و بنابراین شیخ مجاهد به عنوان تکلیف شرعی، وارد عمل شده و از جلوداران انقلاب شد، به‌نحوی که بسیاری از علما و فقها ایران و نجف و مردم متدین در تهران، صرفاً به علت اعتماد به شیخ، وارد جرگه مشروطه‌خواهان و عدالت‌طلبان ضدشاه شدند. اما پس از مدتی شیخ ملاحظه می‌کند که دیگر قضیه چنان که بود نیست و مراد عده‌ای از طرفداران مشروطه و حریت و مساوات نه تنها استبدادزدایی بلکه دین‌زدایی و اسلام‌زدایی از عرصه قوانین اجتماعی و سیاسی و غربی کردن حکومت است و لذا شیخ در اصلاح انقلاب و جلوگیری از انحراف شعارهای انقلاب، کوشید و پس از مدتی که از این اصلاحات مأیوس شد، اجباراً دست به افشاگری و مبارزه زد. (ص ۶۶) نمونه‌های دیگری از سخنان و نوشته‌های شیخ فضل‌الله نوری و علامه نائینی در کتاب مشروطه شرعی و مشروطه شرطی نقل شده است. برای علاقمندان به دیدگاه‌های این دو بزرگوار، این کتاب پیشنهاد می‌شود. نقل گفته‌ها و نوشته‌های این دو بزرگوار در کنار هم این نکته را یادآور می‌شود که علی‌رغم برخی مشهورات و القانات، مبانی فقهی و اهداف سیاسی نائینی و شیخ فضل‌الله، علی‌الاصول یکی است و تفاوت در مصادیق سیاسی و بحثی اصطلاحاً صغروی است است نه علامه نائینی طرفدار مشروطه غربی است و نه شیخ طرفدار استبداد و ضد مشروطه است استدلال‌های هر دو بزرگوار جالب و خواندنی است و به فهم دقیق‌تر مشروطه و نقاط تلاقی فقه سیاسی شیعه با مفاهیم سیاسی سکولار غرب کمک می‌کند.

### ماخذ

حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.

ضروریات شریعت اسلام خوانده است. وی توضیح داده است که اگر آزادی و حریت به معنای تأمین حقوق شرعی و قانونی مردم و در دایره مباحات است و نیز اگر برابری و مساوات، به مفهوم عدم تبعیض و نفی بی‌عدالتی در اجرای قوانین است، قطعاً مورد قبول فقهاست و بنابراین تن دادن به استبداد و دولت طاغوتی که منافی با آزادی‌های مشروع مردم است - و تبعیض در اجرای حدود و حقوق - که منافی با مساوات و عدالت است - قطعاً جزو محرمان‌اند. اما حریت و مساواتی که غرب‌گرایان صدر مشروطه با الهام از انگلیس و... از آن دم می‌زدند آزادی‌هایی فراشرعی و فوق دین و به معنای نفی هرگونه تفاوت در حدود و حقوق و وظایف آحاد مردم و تشابه کامل همه وظایف مرد و زن، بزرگ و کوچک، مسلمان و کافر... بود و قطعاً این نوع آزادی و برابری، در ذیل مبادی مادی و لیبرالی قرار می‌گیرد که با عبودیت و دیانت و حفظ حرمت دین، منافات دارد. (ص ۵۸)

حمله به دین و اخلاق، به نام آزادی مطبوعات: شیخ صریحاً می‌گوید که با آزادی مطلق و غیردینی که مستلزم کنار گذاردن اخلاق و فضیلت و حریم مردم و حدود الهی است، مخالف است چون مفهوم آن نقض حلال و حرام خدا است. سپس مواردی از سوءاستفاده از آزادی بیان و قلم در روزنامه‌ها و خطابه‌های آن روزها را مثال می‌زند که صریحاً علیه مسلمات اسلام و حریم مردم بود (ص ۶۰) سوء تفاهم در مفهوم آزادی: شیخ شهید سپس پرهیز می‌دهد که فریب کلمات آزادی و برابری این وابستگان را نباید خورد زیرا مراد آنان از حریت و مساوات، درهم ریختن ضوابط اسلام است نه آن عدالت و آزادی‌های مشروع که مراجع نجف و سایر علمای طفقار مشروطه و رهبران واقعی قیام ضد استبدادی مردم، و از جمله خود شیخ شهید و مرحوم نائینی و مرحوم آخوند خراسانی و سایرین می‌گفتند. (ص ۶۱) یکی از پرسش‌های مهم تاریخی، سیاسی در باب موضعگیری سیاسی شیخ شهید این بود و هست که شیخ که از سران و جلوداران انقلاب مشروطیت و از رهبران عدالت‌خواه و آزادی‌خواه بر ضد استبداد و دربار بود، چگونه ناگهان با مشروطه‌چی‌ها درافتاد و به‌دست گروهی از وابستگان آن‌ها به درجه شهادت نائل آمد؟ پاسخ تفصیلی شیخ به